



شاطریان، محسن و حیدری سورشجانی، رسول (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: شهر برزک). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰)، ۱۹۱-۲۰۹.

بررسی و تحلیل میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مطالعه موردی: شهر برزک)

محسن شاطریان^۱ و رسول حیدری سورشجانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

چکیده

مشارکت و الگوهای مشارکتی در شهرهای ایران بیشتر در کلان شهرها مورد توجه بوده و به نقش مشارکت شهروندی در شهرهای کوچک اهمیت کمتری داده می شود. این درحالی است که شهرهای کوچک با توجه به محدودیت های جمعیتی و اقتصادی نیازمند مشارکت فراگیر شهروندان در اداره امور شهر می باشند. تحقیق حاضر در پی تحلیل و ارزیابی میزان مشارکت اجتماعی در شهر برزک می باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است. برای جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز از روش میدانی و ابزار پرسش نامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ساکنین شهر برزک (۴۵۸۸ نفر) می باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۵ نفر بدست آمد که برای اطمینان بیشتر ۳۶۰ پرسشنامه انتخاب شد و با روش نمونه گیری تصادفی ساده تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل پرسشنامه با استفاده از آزمون های پیرسون و رگرسیون و با نرم افزار اسپاس پی اس انجام گردیده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین متغیر میزان تمایل به مشارکت با متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق مکانی و رضایتمندی از خدمات شهری ارتباط معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون رگرسیون هم حاکی از آن است که در بین متغیرهای یاد شده متغیر تعلق مکانی با وزن رگرسیونی ۰/۴۰ بیشترین اثر را در متغیر مشارکت اجتماعی تبیین می نماید.

کلید واژه ها: مشارکت؛ اعتماد اجتماعی؛ تعلق مکانی؛ رضایتمندی؛ شهر برزک.

^۱ - دانشجویار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول)، shaterian@kashanu.ac.ir

^۲ - استادیار گروه جغرافیا و اکوتوریسم، دانشگاه کاشان، rasol_heidary@kashanu.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مساله

مدیریت شهری عبارت است از یک سازمان گسترده، متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و ذیربط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهری که اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر را عهده‌دار است. (کاظمیان و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۲: ۵۶) ویلیامز مدیریت شهری را یک تئوری و چشم انداز نمی‌داند، بلکه آن را چارچوب و پایه و اساس مطالعات شهر می‌داند. او اضافه می‌کند که مدیریت شهری ارتباط قوی و تنگاتنگ با ماهیت شهر از یک طرف و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر دارد، همچنین مدیریت شهری با سازمان‌های دولتی که در شهر خدمات ارائه می‌دهند و مردم شهر ارتباط تنگاتنگی دارد (مکگیل^۱، ۲۰۰۱: ۴۶۴).

هزارهٔ جدید در حالی آغاز شده که تحولات جمعیت شهری جهان، چالش‌هایی را برای سیستم مدیریت شهری بوجود آورده (یون هابیتت^۲، ۲۰۰۹: ۱۸) درحال حاضر نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نسبت شهرنشینی در دنیا به ۶۵ درصد خواهد رسید (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۲). مسلمانان چنین شرایطی که شهرها "با سرعت و غیر قابل برگشت رشد می‌کنند و ظرفیت‌ها و منابع در مدیریت شهری با محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌شود" (یون هابیتت، ۲۰۰۷: ۷). اگر شهرنشینان به کمک دولت و حکومت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارایی، افزایش هزینه‌ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت در زندگی شهری، به وجود خواهد آمد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۶: ۸). در این رابطه با توجه به اینکه شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود، لزوم همکاری و توجه به ابعاد مختلف تعامل این سه رکن، بیش از پیش آشکار می‌شود. بطوری‌که مدیریت شهری (شهرداری) به عنوان مرجع اصلی اداره و هماهنگی شهری، مکلف به سازماندهی و مدیریت شهر می‌باشد (پاپلی‌یزدی و رجبی، ۱۳۸۶: ۵۱). در شهر شهروندمدار، برای بهبود و توانمندسازی مدیریت امور شهری، ضرورت مشارکت همه بهره‌وران، شامل دولت (شهرداری‌ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، مردم و شهروندان، بعد بسیار مهمی است که شهروندان به عنوان یکی از عناصر اصلی شهر، بایستی جهت بهبود ابعاد مختلف شهری، قدم‌های مؤثری بردارند. واقعیت امر این است که گذار به شیوه مشارکتی ادارهٔ امور و برنامه‌ریزی برای آن ضرورتی ناگزیر است،

¹ - McGill

² - UN Habitat

(نیک‌پی، ۱۳۹۰: ۵۳). بنابراین لازمهٔ رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهاد‌های مدیریتی و شهر و تفویض وظایف، صلاحیت‌ها و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت فضایی در دسترسی با امکانات و تسهیلات، پاسخ‌گویی، شفافیت، بهبود زیرساخت‌های شهری، شهروندسازی، افزایش ظرفیت و توانمندسازی بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. همچنین شهروندان می‌بایست در این شهر، ضمن احترام به شهروندان دیگر، قانون-پذیر بوده و مشارکت‌جو در امور شهر باشند و بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند (غفاری نسب، ۱۳۸۷: ۴۴۹). حسن همکاری با شهرداری و مسئولین شهری، حل مشکلات شهری از طریق همکاری و مشارکت نهاد‌های غیردولتی از شرایط لازم جهت تحقق آن می‌باشد (گوستافسون^۱، ۲۰۰۲: ۴۶۸). اما در حال حاضر اکثریت جامعه فاقد سنت‌های شهروندی است. سنتی که خود باید با تکیه بر فرهنگ شهروندی پدید آید. نکته دیگری که دارای اهمیت است این است که با وجود پیش‌بینی‌هایی که در قوانین برای مشارکت مردم دیده شده‌است، هنوز این مشارکت به شکل واقعی صورت نگرفته است (شریف‌زاده و صدقی، ۱۳۸۸: ۴۸). در شهرهای کوچک با توجه به غلبه فرهنگ روستایی، همیاری و مشارکت بسیار زیادی دیده می‌شود که مدیران شهری می‌توانند از این روحیه مشارکتی که در شهرهای کوچک است در زمینه مدیریت شهری استفاده کنند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در حال حاضر به مشارکت و الگوهای مشارکتی در شهرهای ایران بیشتر در کلان شهرها توجه می‌شود و به نقش مشارکت شهروندی در شهرهای کوچک توجه کمتری می‌گردد. با توجه به اهمیت شهرهای کوچک در تثبیت جمعیت و اثرات توسعه این شهرها در مهاجرت به شهرهای بزرگ می‌توان با افزایش مشارکت شهروندان این گونه شهرها و دخیل کردن آنان در تصمیم‌گیری، محیط شهری را برای زندگی مساعدتر کرد. هدف تحقیق حاضر بررسی و ارزیابی زمینه‌های مختلف مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شامل احساس تعلق خاطر، رضایتمندی و اعتماد اجتماعی در شهر بزرگ می‌باشد.

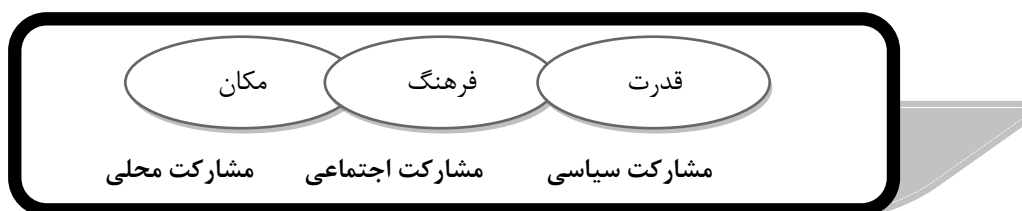
۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

¹ - Gustafson

واژه شهروند، معادل پولیتیس^۱ یونانی و سیتیزن شپ^۲ انگلیسی است. در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد. شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور داشته و در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و شکل‌دهی به آن، به صورت مستقیم و غیرمستقیم در سایه همزیستی، در نیل به سعادت دنیوی و اخروی مؤثر است (احمدزاده، ۱۳۸۴: ۹۶). گی مارشال نیز شهروندی را به سه بخش اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم می‌کند. به‌گونه‌ای که عنصر مدنی شامل حقوق ضروری برای آزادی شخصی، آزادی بیان و فکر و اعتقاد است و عنصر سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی می‌باشد. همچنین در عنصر اجتماعی نیز، منظور مارشال یک گستره کامل از حق قسمت کوچکی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق سهمیم بودن در میراث اجتماعی است» (مارشال^۳، ۲۰۰۹: ۱۴۸-۱۴۹).

واژه مشارکت^۴ از نظر لغوی به معنی شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۹). مشارکت در فارسی به معنای انبازی، دخالت، اصل علاقه‌مندی و توجه به مسأله است و به معنای «با خود داشتن»، «از نفس خویش چیزی از غیر داشتن» است. به طور سنتی مشارکت به طور داوطلبانه یا اجباری در مسائل محلی، ایالتی و ملی در تصمیم‌گیری‌های دولتی می‌باشد (اصطلاح اجبار به معنای زور و خشونت نیست بلکه به معنای توافق اجباری با قوانین و مقررات می‌باشد (میلاکویچ^۵، ۲۰۱۰: ۲). در حوزه مسائل شهری نیز مشارکت شهروندان، سنگ زیربنای دموکراسی و اصطلاح روشنی برای قدرت شهروندان است (منج^۶، ۲۰۰۸: ۳۳).



شکل ۱: انواع مشارکت بر حسب قلمرو فعالیت (نیک پی، ۱۳۹۰: ۵۵)

^۱ - polites

^۲ - Citizenship

^۳ - Marshall

^۴ - participation

^۵ - Milakovich

^۶ - Meng

مشارکت بر این عقیده بنیادین استوار است که همه افراد حق دارند در مورد اموری که مربوط به خودشان است احساس مسئولیت نمایند؛ درباره آن فکر کنند؛ اندیشه خود را بدون ترس بیان کنند و بر تصمیم‌هایی که بر زندگی آنها اثر می‌گذارد؛ دخالت داشته باشند (شفیعی، ۱۳۸۶: ۵۲). مشارکت شهروندی و جامعه مدنی سابقه طولانی دارد و از یونان باستان تا به امروز همواره به اشکال گوناگون در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها بروز کرده‌است (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در حوزه مسائل شهری نیز مشارکت شهروندان، سنگ زیر بنای دموکراسی و اصلاح روشنی برای قدرت شهروندان است (منج^۱، ۲۰۰۸: ۳۳).

مشارکت به عنوان واقعیتهای اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده‌است. ایده‌ی مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه‌ی دیرینه است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۱). یکی از ارکان اصلی تئوری دموکراسی، مشارکت مساوی کلیه افراد در تمامی امور و تصمیم‌گیری‌هاست. بطوری که رئیس و مرئوس هر دو در تصمیم‌گیری‌ها و در مسئولیت‌ها با یکدیگر سهیم باشند. فرض اصلی در این تئوری آن است که هنگامی که دانش تک افراد با هم ترکیب شود و از آن به طور جمعی و یکجا استفاده شود، انسان می‌تواند با خردمندی و هوشیاری بیشتری تصمیم بگیرد. انسان‌گرایی همچون هرزبرگ (۱۹۶۶) و مزلو بر این باورند که مشارکت داشتن در تصمیم‌گیری‌ها و مطرح بودن از جمله نیازهای انسانی بوده و برآوردن این نیازها می‌تواند نقش مهمی در رضایت و کارایی آنها داشته باشد (صادقی فرد و نقوی، ۱۳۸۲: ۵).

صاحب‌نظران گوناگونی در زمینه مشارکت سخن به میان آورده‌اند و هریک با توجه به عاملی خاص آن عامل را در موفقیت و یا عدم موفقیت مشارکت مهم می‌دانند، در زیر برخی عوامل مهم در بوجود آمدن یا عدم بوجود آمدن مشارکت بیان می‌شود: پناهی زمینه‌ساز بوجود آوردن مشارکت را، باور مردم به توان و استعداد خود در زمینه تأثیرگذاری بر امور می‌داند و بیان می‌کند: اگر مردم آگاهی و باور به توان و استعداد خود داشته باشند و اگر مردم از میزان اثرگذاری عوامل و محیط فرهنگی در زندگی خود و خانواده خود، آگاه باشند. و اگر از هزینه‌های عدم مشارکت خود و از فواید مشارکت خود در رشد و بهبود فردی و خانوادگی و اجتماعی اطلاع داشته باشند، احساس نیاز به مشارکت خواهند کرد و خود انگیخته وارد عرصه توسعه فرهنگی خواهند شد (پناهی، ۱۳۸۱)

^۱ - Meng

به نظر مک لگان مشارکت، پاسخ منطقی بر شرایط و چالش های امروز است (مک لگان و نل، ۱۳۸۰: ۱۸). شیانی با عطف نظر به آگاهی داشتن و فرصت های عمل آزادانه بیان می کند: آگاهی و شناخت بایستی بعنوان منبع مهم احساس وفاداری و مسئولیت نگریسته شود. یکی از موارد مهم، منابعی است که افراد بصورت اطلاعات، مهارت ها و امکانات رفاهی در اختیار دارند، در کنار آن فرصت های عمل آزادانه و داوطلبانه است که در تقویت خودگردانی و مشارکت مسئولانه تأثیر به سزایی خواهد داشت. به تعبیر دیگر، افراد نیازمند اخلاق و ایستاره هایی هستند که پذیرای حقوق و مسئولیت ها باشد و از احساس تعلق و همبستگی با دیگران و حاکمیت ارزش ها و هنجارهای عام سرچشمه بگیرد، این جهت گیری ها در یک بستر خاص، افراد را برای رسیدن به هدف مهیا ساخته و انگیزه کسب حقوق و انجام تکالیف شهروندی را در آنان رشد می دهد (شیانی، ۱۳۸۲).

توکویل به متعهد شدن افراد نسبت به منافع عمومی در حین مشارکت اشاره دارد، او می گوید: تجربه دموکراسی چهره به چهره به فرد کمک می کند تا او احساس تعهد نسبت به جامعه را در خود توسعه داده و مفهوم گسترده تری از اجتماع را ترویج نماید. قبادی (۱۳۸۱) کلید و رمز موفقیت در توسعه بخشیدن به مشارکت را جامعه پذیری می داند. مک لگان (۱۳۸۰) جهانی شدن را از نیروهای تقویت کننده مشارکت می داند. پناهی (۱۳۸۱) برای جلب اعتماد مردم و ایجاد زمینه مساعد برای مشارکت آنان را در توسعه فرهنگی این می داند که مردم باید در همه مراحل فعالیت های فرهنگی، تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا دخالت داشته باشند و همچنین مشارکت واقعی را وقتی امکان پذیر می داند که رابطه حکومت کنندگان و حکومت شوندگان دوطرفه بوده و تصمیم گیری های دولت مبتنی بر خواسته ها و نظریات مردم و شرایط محلی و قومی خاص باشد.

مک لگان بر اهمیت اطلاعات تأکید کرده و گفته است: اطلاعات در فراهم ساختن زمینه کاری برای افراد نقش دارد. اگر دسترسی به اطلاعات محدود، پراکنده و تحت نظارت مقامات باشد، در آن صورت چنین زمینه ای شرایط را برای بوجود آمدن اداره مستبدانه امور آماده می کند. سهیم کردن مردم در تصمیم گیری و تصمیم سازی مقوله ایست که نه با شعار، بلکه تنها با ایجاد بستری امن، با روابطی هم سطح ممکن می گردد. شفافیت، اعتماد متقابل و احترام به استقلال افراد و گروه ها برای دستیابی به مشارکت پایدار، از دیگر اصول این وادیست (فرهنگ خواه، ۱۳۸۲). اما آنچه که سبب کاهش مشارکت مردم در امور می باشد، می تواند شامل بی اعتمادی به یکدیگر یا به نظام، شیوه حکومت استبدادی، پائین بودن سطح آگاهی باشد. فکوهی در این رابطه می گوید: بی اعتمادی به یکدیگر یا به نظام عمومی یا به نظام محلی و مسئولان آن

و ... دلایلی هستند که به کاهش مشارکت و از میان رفتن پشتوانه‌های اجتماعی برای اجرای پروژه‌های سخت منجر می‌شود و بنابراین افزایش مشارکت را در حوزه‌های مختلف می‌توان بطورعام و علی‌الاصول امری مثبت دانست (فکوهی، ۱۳۸۱: ۳۷)

مک لگان در زمینه ساختار حکومتی می‌گوید: ساختارها بیان‌کننده فلسفه ما از شیوه اداره کردن هستند، شیوه مشارکتی اداره کردن نمی‌تواند در ساختارهایی که برای حمایت از استبدادگرایی طراحی شده اند، دوام داشته باشد. این شیوه برای پذیرفتن و حضور ارزش‌ها، مسئولیت فردی، دسترسی آزاد به اطلاعات و تاکید توجه به مشتری ارزش قائل است. وی همچنین در اهمیت آگاهی می‌افزاید: پائین بودن سطح آگاهی افراد عامل بازدارنده مشارکت و بالا بردن آن عامل افزایش‌دهنده مشارکت اجتماعی و فرهنگی است و همچنین پناهی می‌گوید: مشارکت‌های تحمیلی و اجباری، غیر ارادی که با انواع فشارها همراه باشد، هر چند ظاهراً حضور فیزیکی افراد را سبب می‌شود، اثرات سازنده در توسعه فرهنگی و اجتماعی نخواهد داشت. به عقیده گامبتا، مردم اغلب بر اساس عقل و منطق رفتار می‌کنند. وی در قالب دیدگاه انتخاب عقلایی، اعتماد را پیش شرط لازم ایجاد حس مشارکت و تعاون می‌داند (ریچ^۱، ۱۹۹۱: ۱۲۷). به نظر میدگلی، مشارکت اجتماعی ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی است (گامبتا^۲، ۱۹۹۸: ۱۹۳). به نظر گائوری، مشارکت اجتماعی فرایند اجتماعی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بصری و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است (گاتری^۳، ۱۹۸۶: ۵۸). کرافت تحولاتی چون جنبش‌های جدید، بازنگری در مورد نیازهای انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و فرانوگرایی را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (کرافت^۴، ۱۹۹۲: ۲۲).

لازم به ذکر است که البته هر نوع مشارکت، سرمایه اجتماعی بوجود نمی‌آورد، در این مورد ما باید به کیفیت مشارکت توجه داشته باشیم، مگر مشارکت‌هایی که به جای تعقیب اهداف و منابع شخصی به دنبال تأمین منافع جمعی باشند.

۲-۲- پیشینه تجربی پژوهش

^۱ - Reche

^۲ - Gambetta

^۳ - Gaoteri

^۴ - Croft

در زمینه مشارکت شهروندان پژوهش‌های چندی انجام شده است. معصوم (۱۳۸۰)، از جمله مهم‌ترین مشکلات شهرهای کوچک را عدم مشارکت شهروندان در امور شهری و کمبود منابع درآمدی مدیریت شهری می‌داند. علیزاده (۱۳۸۸) در تحقیق خود در شهرهای کوچک شهرستان خواف به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین مشکل مدیریت شهری در این گونه شهرها، کمبود منابع درآمدی است. اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که متغیرهای اقتصادی و روانشناختی به طور مستقیم و متغیرهای اجتماعی و کیفی را به صورت غیر مستقیم بر میزان مشارکت شهروندان اثر می‌گذارد. ابراهیم‌زاده و فاطمی‌نژاد (۱۳۹۳) یکی از مهم‌ترین مشکلات مدیریت شهری شهرهای کوچک را عدم وجود مشارکت شهروندان به خصوص از نقطه نظر اقتصادی، می‌داند، چرا که شهرهای کوچک درآمدهای محدودی دارند. نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد که به توجه به اینکه مشارکت مردم در شهرهای کوچک در تعیین اهداف و تصمیم‌گیری‌های شهری بسیار پایین است، همین امر باعث شده است که مشارکت آنها در عرصه‌های دیگر هم کمتر باشد. علی پور و همکاران (۱۳۸۸) متغیرهای اعتماد تعمیم یافته و پایگاه اجتماعی - اقتصادی را بهترین پیش‌بینی‌کننده مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر تهران می‌دانند. آنان تاکید دارند که اعتماد اجتماعی افراد را به انجام دادن کنش‌های جمعی و داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی و مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی سوق می‌دهد، همچنین در جایی که اعتماد بر روابط اجتماعی حاکم نباشد، افراد منافع شخصی خود را دنبال کرده و هیچ‌گونه تعهدی نسبت به مصالح جمعی نخواهند داشت و همین مسئله باعث بدگمانی و موجب خواهد شد که نتوانند از راه روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند. موسیایی و شیان (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران، مشارکت را از الزامات برون رفت از مشکلات و مسائل شهری می‌دانند که با دموکراتیزه کردن جامعه، تمرکز زدایی، توانمندسازی اقشار مختلف تحقق می‌یابد. در این راستا الگوهای سازمان‌یافته، رسمی و برنامه‌ریزی شده در کنار مشارکت خودجوش را به عنوان راهکار پیشنهاد می‌دهند. سبزه‌ای و رحیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان پرداختند. آن‌ها با استفاده از آزمون‌های تی، واریانس، تحلیل مسیر و ضریب همبستگی به این نتیجه رسیدند که بین عوامل اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. نوابخش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان

در شهر ایلام پرداخته است. نتایج آنان حکایت دارد که هرچقدر اعتماد شهروندان بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. ایروین و استنسبوری (ایروین و ستانسبوری^۱)، در تحقیق‌شان به این نتیجه رسیدند که افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان منجر به نتایج مثبت اجتماعی و زیست محیطی می‌شود چنانکه مهم‌ترین و بیشترین سود را در جامعه دارد. روبرتز^۲ (۲۰۰۴) تأکید دارد که مشارکت در تصمیم‌گیری زندگی همگانی، یک ضرورت جامعه معاصر است و مشارکت مستقیم شهروندان در اداره شهر و مسائل عمومی را شکل حقیقی مشارکت شهروندان می‌داند. از قرن بیستم شهروندان به مدیران و ادارات دولتی در تصمیم‌گیری‌های عمومی و اجرایی اعتماد داشتند. در نیمه دوم قرن بیستم مشارکت مستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری بیشتر شد. این روند به رشد جوامع مردم سالاری غیر متمرکز و شبکه‌ای کمک بسیاری کرد..

با توجه به مطالب بیان شده در قسمت مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت اجتماعی هم بر روی ساختار مدیریتی شهرها و منابع درآمدی شهرداری‌ها اثر گذار است و هم بر روی محیط زیست و اجتماع اثرات مثبتی دارد. همچنین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر از تمرکز تصمیم‌گیری‌ها می‌کاهد و به نوعی تصمیم‌گیری مدیریت شهری جنبه عمومی پیدا می‌کند. رضایتمندی شهروندان، میزان اعتماد اجتماعی و احساس تعلق مکانی بر روی مشارکت اجتماعی شهروندان اثر می‌گذارد. بدین منظور فرضیه اصلی پژوهش مطرح می‌گردد و رابطه بین متغیر تمایل به مشارکت با متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق مکان و رضایتمندی از خدمات شهری در شهرهای کوچک بررسی می‌شود و همچنین میزان اثرگذاری هر یک از متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق خاطر و رضایتمندی از خدمات شهری بر روی تمایل به مشارکت اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ساکنین شهر بزرگ (۴۵۸۸ نفر طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۵۵ نفر بدست آمد که برای اطمینان بیشتر ۳۶۰ پرسشنامه انتخاب شد و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تکمیل گردید.

¹ - Irvin and Stansbury

² - Roberts

تحلیل پرسشنامه در محیط نرم‌افزاری Spss بوده و در نهایت با استفاده از آزمون‌های آماری (پیرسون و رگرسیون) محاسبه شده‌است. روایی این پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با انجام آلفای کرونباخ مطابق جدول شماره (۱) در حد مطلوب بدست آمد.

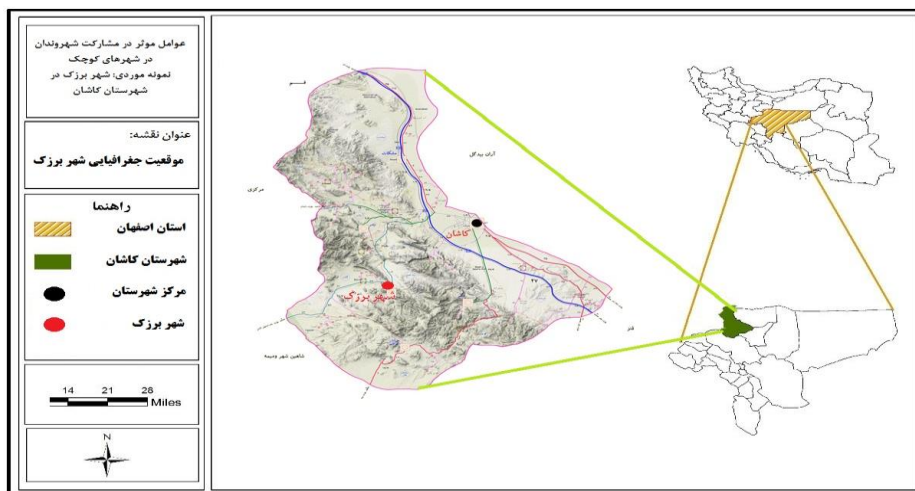
جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

شاخص‌های اصلی پژوهش	شاخص‌ها
مشارکت اجتماعی (مقدار آلفای کرونباخ: ۰/۷۶)	حضور در برنامه‌ها و جلسات؛ مشارکت و کمک مالی؛ مشارکت و کمک فکری؛ مسئولیت اجرایی در سازمانهای داوطلبانه؛ مشارکت در شوراها و مشورت به آنها؛ مشارکت در انجمن اولیا و مربیان مدرسه؛ مشارکت در گروه‌های صنفی؛ مشارکت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی؛ مشارکت در بسیج؛ مشارکت در گروه‌های علمی؛ مشارکت در گروه‌های هنری؛ مشارکت در گروه‌ها و هیئات مذهبی؛ مشارکت در گروه‌های ورزشی؛ مشارکت در انجمن‌ها و موسسات خیریه؛ میزان ارتباط با اعضای خانواده؛ میزان ارتباط با اقوام و خویشاوندان؛ میزان ارتباط با دوستان و آشنایان؛ میزان ارتباط با همسایگان و اهالی محل؛ میزان ارتباط با همکاران؛ مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری؛ مشارکت در انتخابات مجلس؛ مشارکت در انتخابات شورای شهر؛ مشارکت در انتخابات مجلس خبرگان
اعتماد اجتماعی (مقدار آلفای کرونباخ: ۰/۷۹)	میزان اعتماد نسبت به دوستان؛ میزان اعتماد نسبت به همسایه‌ها؛ میزان اعتماد نسبت به افراد محله؛ میزان اعتماد نسبت به شهرداری و بخشداری؛ اعتماد به فعالیت‌های شراکتی
رضایتمندی (مقدار آلفای کرونباخ: ۰/۷۴)	دسترسی به حمل و نقل؛ خدمات امنیتی و انتظامی؛ دسترسی به مدارس و مراکز آموزشی؛ دسترسی به مراکز خرید؛ دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی؛ دسترسی به مراکز تفریحی؛ خدمات شهری (گازرسانی، جمع‌آوری زباله و...)
احساس تعلق (مقدار آلفای کرونباخ: ۰/۶۹)	خاطره‌انگیز بودن خانه‌ها و ساختمان‌ها؛ ترجیح به حضور در فضاهای طبیعی برزک؛ افتخار به امامزاده در برزک؛ تمایل به مهاجرت به کاشان؛ افتخار به برزکی بودن

۳-۱- قلمرو پژوهش

شهر برزک به عنوان یک شهر کوچک، مرکز بخش برزک واقع در شهرستان کاشان با طول جغرافیایی برزک ۴۴ ۲۲ ۵۱ و عرض جغرافیایی ۳۲ ۷۸ ۳۳ می‌باشد. شهر برزک با جمعیتی بالغ بر ۵۰۰۰ نفر در جنوب غربی کاشان در یک منطقه کوهستانی در دامنه کوه‌های

کرکس در فاصله حدوداً ۴۵ کیلومتری کاشان و ۶۰ کیلومتری میمه و ۵۵ کیلومتری دلجان و در مسیر جاده‌ای قرار دارد که از یک طرف به آزاد راه اصفهان - تهران و از سمت دیگر به اتوبان کاشان - قم ختم می‌شود. همچنین این شهر از شمال به روستاهای ویدوج ، ویدوجا ، ازوار ، از غرب به روستاهای ورکان ، آرنجن ، پنداس ، تجره ، آزران و از سمت شرق به سادیان ، مرق و نابر محدود می‌باشد (شکل شماره ۱).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهر بزرک

۴- یافته‌های پژوهش

در بخش یافته‌های پژوهش ابتدا به یافته‌های توصیفی و پس از آن فرضیات مورد بررسی آزمون و تحلیل رگرسیونی انجام می‌شود. بررسی های توصیفی حکایت از آن دارد که از مجموع پاسخ دهندگان ۴۶درصد زن و ۵۴ درصد مرد بوده و همچنین از نظر وضعیت شغلی پاسخ گوینان ۱۵ درصد کشاورز، ۵ درصد زنبوردار، ۱۲ درصد کارمند، ۴۰ درصد شغل آزاد و ۲۸ درصد شغل خود را بیان نکرده‌اند. بررسی سنی نمونه مطالعاتی مبین از آن است که ۱۸ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۰ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۴ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۳ درصد در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال، ۵ درصد در گروه سنی ۶۱ سال به بالاتر بوده اند. از نظر سطح تحصیلات نیز از کل نمونه انتخاب شده، ۴۰ درصد کمتر از دیپلم، ۴۱ درصد دیپلم، ۸درصد فوق دیپلم و ۱۱ درصد لیسانس و بالاتر هستند.

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، میانگین مشارکت اجتماعی در بین شهروندان با توجه به حداقل و حداکثر، پایین (۲/۸) بوده‌است و همچنین در ابعاد تمایل به مشارکت، مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه و روابط اجتماعی میانگین مشارکت پایین بوده است و تنها در بعد مشارکت انتخاباتی (۳/۰۹) مشارکت در حد متوسط بوده‌است. در بین عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی، پاسخگویان در حد متوسطی احساس تعلق به شهر برزک داشته‌اند و اعتماد اجتماعی و رضایتمندی از امکانات شهری در حد نسبتاً پایینی بوده است.

جدول شماره ۲: توصیف متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

مؤلفه	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	کمترین میزان	بیشترین میزان
متغیرهای مستقل	۳/۲۷	۰/۵۳۳	۰/۲۸۷	۲/۲۰	۴/۲۰
	۲/۷۶	۰/۵۳۷	۰/۲۸۹	۲	۳/۸۰
	۲/۵۷	۰/۴۰۲	۰/۱۶۲	۱/۸۶	۳/۴۳
متغیرهای وابسته	۲/۳۳	۰/۳۲۲	۰/۱۰۴	۲	۳/۲۹
	۲/۸۸	۰/۵۹۳	۰/۳۵۲	۱/۷۱	۴
	۲/۹۶	۰/۵۶۶	۰/۳۲۱	۱/۶۰	۴
	۳/۰۹	۰/۵۸۸	۰/۳۴۶	۲	۴/۵۰
	۲/۸۲	۰/۲۶۰	۰/۰۶۸	۲/۲۵	۳/۳۸

در تحلیل آزمون پیرسون رابطه بین عوامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان شهر برزک مورد آزمون قرار گرفت و نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین احساس تعلق خاطر، رضایتمندی و اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بوده‌است. این بدان معناست که چنانچه شهروندان احساس تعلق نسبت به شهر داشته باشند، از امکانات و خدمات رضایت داشته و چنانچه اعتماد به یکدیگر و سازمان‌ها داشته باشند، به میزان متوسطی در فعالیت‌های جامعه نیز مشارکت خواهند داشت.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی)

نتیجه‌ی نهایی آزمون	شدت رابطه	سطح معناداری همبستگی	ضریب همبستگی پیرسون	آزمون‌های آماری و نتایج آن‌ها رابطه‌ی بین متغیرها
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	متوسط	۰/۰۰۰	۰/۳۹۲	احساس تعلق خاطر
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	متوسط	۰/۰۰۰	۰/۳۲۲	رضایتمندی
رابطه‌ی معنادار و مستقیم	متوسط	۰/۰۰۰	۰/۳۱۷	اعتماد اجتماعی

۴-۱- تحلیل رگرسیونی مشارکت اجتماعی

به منظور بررسی میزان تأثیر هر یک از عوامل اجتماعی بر مشارکت اجتماعی از تحلیل رگرسیون هم‌زمان^۱ استفاده شده‌است و از میان متغیرهای مورد بررسی، متغیرهای اعتماد اجتماعی، تعلق مکانی و رضایتمندی در مدل رگرسیونی باقی مانده‌اند.

جدول شماره ۴: تحلیل رگرسیون چند متغیره میزان مشارکت اجتماعی به روش همزمان

ضریب تبیین تعدیل شده	ضریب تبیین (R Square)	ضریب همبستگی چندگانه (Multiple R)
۰/۳۶۵	۰/۳۷۲	۰/۶۱۰

بنابراین با توجه به متغیرهای مستقل در مدل تحلیل رگرسیون می‌توان تا حدود ۳۷ درصد از تغییرات متغیر مشارکت اجتماعی را تبیین کرد.

بر اساس جدول (۵) می‌توان گفت متغیر تعلق مکانی با ضریب بتای ۰/۴۰ مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده متغیر وابسته مشارکت اجتماعی است و متغیرهای رضایتمندی و اعتماد اجتماعی، در رده‌های بعد قرار دارند. بنابراین مدل رگرسیونی مدل نظری را تایید می‌کند چراکه عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر مستقیم را بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بزرگ داشته‌اند.

^۱ - Enter

جدول شماره ۵: نتایج ضریب رگرسیون جزئی هر متغیر مستقل در پیش بینی متغیر

مشارکت اجتماعی

متغیرها	ضرایب استاندارد نشده بتا	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد شده بتا	مقدار تی	معنی داری
مقدار ثابت	۱/۶۷۳	۰/۰۸۹	-	۱۸/۷۲	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۱۳	۰/۰۱۶	۰/۳۲۷	۷/۰۹۴	۰/۰۰۰
تعلق مکانی	۰/۱۳۹	۰/۰۱۶	۰/۴۰	۸/۶۷	۰/۰۰۰
رضایتمندی	۰/۱۵۶	۰/۰۲۱	۰/۳۳۶	۷/۳۰	۰/۰۰۰

۵- نتیجه گیری

با توجه به ساختار مدیریت شهری در کشور ما و تعداد مدیریت ها در سطح شهر، می توان گفت که شوراها و شهرداری ها تنها بخشی از این ساختار پراکنده را در اختیار دارند. در این میان شوراها به عنوان نهادی که مشروعیت و مقبولیت خود را از مردم می گیرند، می توانند نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و یکپارچگی مدیریت شهری برعهده بگیرند. اما در اکثر شهرها بویژه در شهرهای کوچک و متوسط شوراها شهر آنچنان که باید نتوانسته اند در مدیریت شهری موفق باشند. در این راستا نقش مشارکت مردمی در موفقیت مدیریت شهری در شهرهای کوچک بسیار حائز اهمیت است.

مشارکت شهروندان در جامعه شهری حامل نتایج بس گران بها و متقابلی برای حکومت محلی و شهروندان خواهد بود. رویارویی با مسائل و مشکلاتی که ابرشهرهای جهان با آن دست به گریبان هستند مانند انفجار جمعیت، حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، نابسامانی وضعیت ترافیک، آلودگی محیط زیست، سیل مهاجران روستایی به شهر و مسائل بسیار دیگر که با تسریع فرآیند شهرنشینی، رشد سریع ارتباطات، اطلاعات و فن آوری، جهانی شدن اقتصاد و بازارهای کار و سرمایه و...، دائماً در حال گسترش و پیچیدگی بیشتر هستند، تنها با بهره گیری درست و بهینه از توان ها، استعدادها و ظرفیت های بالقوه و وسیع موجود در شهروندان و منابع شهری در حوزه های گوناگون و در قالب طرح ها و برنامه های مشارکتی قابل حل هستند.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که وضعیت مولفه های رضایتمندی از خدمات شهری و میزان اعتماد اجتماعی در مقایسه با تعلق مکانی وزن رگرسیونی پایین تری را نشان می دهد.

یافته‌های تبیینی حاکی از رابطه‌ی مثبت متغیرهای فوق با مشارکت اجتماعی بوده‌است و نشانگر آن است که تلاش در جهت تقویت این مولفه‌ها می‌تواند زمینه افزایش مشارکت شهروندان را فراهم سازد. همچنین یافته‌های رگرسیونی نیز حاکی از اثر مستقیم اعتماد، تعلق مکانی و رضایتمندی بر مشارکت اجتماعی بوده‌است و در نهایت اینکه ۳۷ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط این سه مولفه تبیین شده‌است. این بدان معناست که ۶۳ درصد از تغییرات نیز بواسطه‌ی عواملی خارج از مدل مذکور تبیین می‌شوند.

با توجه به اینکه پاسخگویان از ارائه خدمات شهری رضایت کمی دارند و این سطح رضایت دلیلی بر عدم مشارکت آنان در امور مدیریتی شهر می‌باشد، لذا انجام اقداماتی در جهت تدوین ساز و کارهای ارتقاء و تامین فضاهای عمومی و کاربری‌های خدماتی، توزیع عادلانه خدمات شهری در سطح شهر، تامین رفاه عمومی و آسایش مردم، می‌تواند گامی مؤثر از سوی مدیران شهری در راستای جلب مشارکت موثر شهروندان در امور مدیریت شهری به شمار آید. نتایج این پژوهش با تحقیقات انجام شده توسط علی پور و همکاران (۱۳۸۸)، اسماعیل زاده و همکاران (۱۳۹۳)، سبزه‌ای و رحیمی (۱۳۹۲)، ابراهیم زاده و فاطمی نژاد (۱۳۹۳)، نوابخش و همکاران (۱۳۹۳)، ایروین و استنسباری (ایروین و ستانسبوری^۱، ۲۰۰۴)، روبرتز^۲ (۲۰۰۴) و روبرتز (۲۰۰۴) همخوانی داشته و نشان می‌دهد که مؤلفه‌های درونی و حیاتی اجتماع بر مشارکت اجتماعی اثر گذار است.

بنابراین برای جلب مشارکت مردمی، اعتماد سازی به عنوان کلید طلایی جلب مشارکت، سازماندهی و استقرار دفاتر مشاور محله، ضرورت تنوع بخشیدن در شیوه‌های جلب مشارکت شهروندان می‌باشد. در نهایت، باید این پرسش را به میان آورد که زندگی در سازمان مشارکتی چه شکلی است؟ نخست دخالت دادن در سازمان مشارکتی در طیفی گسترده از فعالیت‌هایی رخ م‌دهد که از عملیاتی تا راهبردی در نوسان است. دوم، سازمان مشارکتی به حق انواعی از افراد ذینفع را در امور دخالت می‌دهد و افراد در هر وظیفه‌ای به دنبال این هستند که تأثیر خوبی بر جای بگذارند و براساس آن مسئولیت بپذیرند. زمانی یک سازمان می‌تواند به طور واقعی مشارکتی باشد که تمام افراد ذینفع در آن فعالانه در ایجاد بینش، وابستگی به یکدیگر و نظام‌های تخصصی دخل و تصرف داشته باشند تا فعالیت‌ها و کنش‌های آنان مشارکتی شود.

¹ - Irvin & Stansbury

² - Roberts

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی و فاطمی نژاد، خدیجه (۱۳۹۳). تحلیلی بر مشارکت شهروندی و مدیریت شهری در شهرهای کوچک مطالعه موردی: شهر کوچک یونسی. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۵(۱۶)، ۳۸-۱۹.
- پورعزت، علی اصغر، حوریه باغستانی برزکی و مصطفی نجاتی آجی بیشه (۱۳۸۶). "الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود. مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲۶، ۱۳۱-۱۶۰.
- احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۴). حقوق شهروندی. مجله اندیشه، ۱۱(۶)، ۲۷-۱۲.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی در ایران، تهران: نشر نی.
- اسماعیل زاده، حسن؛ شمسی، صالح پور و اسماعیل زاده، یعقوب (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر مشارکت در ساماندهی بافت های فرسوده شهری. مجله جغرافیا (انجمن علمی جغرافیای ایران)، ۱۲(۴۳)، ۱۴۱-۱۲۷.
- پاپلی زدی، محمد حسین و رجبی، حسین (۱۳۸۶). نظریه های شهر و پیرامون (چاپ دوم). تهران: انتشارات سمت.
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۱). راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در عرصه فرهنگ. تهران: نشر آن.
- پورعزت، علی اصغر؛ باغستانی برزکی، حوریه و نجاتی آجی بیشه، مهران (۱۳۸۶). الگوی منطقی منشور حقوق شهروندی بر پایه بررسی تطبیقی اسناد موجود. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ۱۶۰-۱۳۱.
- پورعزت، علی اصغر؛ باغستانی برزکی، حوریه و نجاتی آجی بیشه، مهران (۱۳۸۸). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ گویی و شفافیت سازمان ها. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۴۰-۷.
- حکمت نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۵). تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۱(۱)، ۱۳۶-۱۲۱.
- دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). تبیین مشارکت اجتماعی و فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران. مجله جامعه شناسی ایران، ۶(۱)، ۶۷-۹۸.

- زیاری، کرامت‌الله؛ زندوی، سیدمجدالدین؛ آقاجانی، محمد و مقدم، محمد (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک، نمونه موردی شهرهای گله دار، ورزنه و هیدج. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای*، ۷(۱۳)، ۲۱۱-۲۳۵.
- شریف‌زاده، فتاح و صدقی، جواد (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر. *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ۱۹(۵۹)، ۷۰-۴۷.
- سبزه‌ای، محمدتقی و رحیمی، پرویز (۱۳۹۲). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان). *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۲)، ۹۱-۷۱.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). تحلیل جامعه‌شناسی از وضعیت شهروندی در لرستان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۳)، ۸۰-۶۰.
- صادقی فرد، ناصر و نقوی، سید علی (۱۳۸۲). مدیریت مشارکتی (چاپ اول). تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- علی پور، پروین؛ محمد جواد زاهدی و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۲)، ۱۳۵-۱۰۹.
- علیزاده، غفور (۱۳۸۸). بررسی و مشکلات مدیریت شهری در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهرستان خواف) (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد).
- غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۸۷). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهر. در *مجموعه مقالات نظارت همگانی شهروندی و توسعه سازمانی*. تهران: نشر موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- فرهنگ‌خواه، فاطمه (۱۳۸۲). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فراز دختران (۲۲-۹ سال) با تاکید بر تاثیر رسانه‌های تصویری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز).
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویت و الگوهای محلی و ملی و جهانی (مطالعه موردی لرستان). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۴)، ۱۶۱-۱۲۷.
- قبادی، علیرضا (۱۳۸۱). ضرورت مشارکت مردم در عرصه فرهنگ. در *مجموعه مقالات مردم و همگرایی*. تهران: نشر آن.

- معصوم، جلال (۱۳۸۰). مشکلات مدیریت شهرهای کوچک، ماهنامه شهرداریها، ۳(۲۸)، ۸۰-۶۵.
- کاظمیان، غلامرضا و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۸۲). امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها. جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ دوم.
- مک لگان، پاتریشیا و نل، کریستو (۱۳۸۰). عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامی. (چاپ دوم). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نوابخش، مهرداد؛ رضایی، محمد و رحیمی، ماریا (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام). *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۱۰(۴)، ۲۷-۱.
- نیک پی، مسعود (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل حکمروایی شهری از منظر مشارکت شهروندی: مورد شهر یاسوج (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران).
- شفیع، شیرین (۱۳۸۶)، مشارکت محوری و نقش آن در فعالیت بنگاه های اقتصادی تعاونی، وزارت تعاون، دفتر آموزش، بهمن.
- Croft, S., & Beresford, P. (1992). The politics of participation. *Critical Social Policy*, 12(35), 20-44.
- Gambetta, D. (1998). *Trust: making and breaking cooperative relation*. Blackwell Oxford.
- Gaoteri, H. (1986). *Popular participation in development*. Paris: vnesco.
- Gustafson, P. (2002). Globalisation, multiculturalism and individualism: the Swedish debate on dual citizenship. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 28(3), 463-481.
- Irvin, R. A, and Stansbury, J. (2004). Citizen participation in decision-making: is it worth the effort?. *Public Administration Review*, 64(1), 55-65.
- Marshall, T.H. (2009). *Citizenship and social class*. From Acaemic.udayton.edu. (vol. 11, pp. 28-29). Cambridge
- McGill, R. (2001). Urban management checklist. *Cities*, 18(5), 347-354.
- Meng, b. (2008). *An institutions, urban government and leadership: a study of the impact of community planning and governance on the delivery of urban services and infrastructure in Cambodia* PhD thesis,

University of Hawaii at Manoa. (Doctoral dissertation, university of Hawaii at monoa).

- Milakovich, M. E. (2010). The internet and increased citizen participation in government. *JeDEM- eJournal of eDemocracy and Open Government*, 2(1), 1-9.
- Roche, w. k. (1991). Trust, dynamics and organizational integration: The micro-sociology of Alan Fax. *British Journal of Sociology*, 42(1), 95-113.
- Roberts, N.C. (2004). Public deliberation: An alternative approach to crafting policy and setting direction. *Public Administration Review*, 57(2), 124-132.
- UN-Habitat. (2009). *Planning sustainable cities, global report on human settlements. United nation human settlement programmed.* London:earthscan.
- UN-Habitat. (2007). *A guide for Municipalities: Inclusive and Sustainable Urban Development Planning (Volu.4)*, Series: Inclusive and Sustainable Urban Development Planning. Kenya: UNON Publishing Service Section.